

مقتول پیش از مرگ قاتلش را لو داد!

گروه حوادث – مردی که متهم است در جریان تیراندازی در یک پروژه ساختمانی جوانی را به قتل رسانده و مرد دیگری را زخمی کرده، پس از یک سال فرار دستگیر شد اما می گوید که بی گناه است و به دلیل بدشناسی، متهم به قتل شده است.

هفدهم مرداد سال گذشته تیراندازی مرگباری در یک پروژه ساختمانی در فاز چهارم شهرستان پرند رخ داد که در جریان آن ۲ مرد به شدت مجروح و در بیمارستان بستری شدند. با گزارش ماجرا به پلیس، تحقیقات آغاز و مشخص شد که چند نفر شبانه وارد پروژه در حال ساخت شده و شروع به تیراندازی کرده بودند.

کسه در جریان این تیراندازی، یکی از افرادی که در آنجا کار می کرد و فردی که رهگذر بود، تیر خورده بودند. ماموران با حضور در بیمارستان به تحقیق از ۲ مرد مجروح پرداختند.

مردی که در پروژه ساختمانی مشغول به کار بود، گفت: برای انجام کار ساختمان در حال ساخت رفته بودم که مردی به نام حسام با برادرانش به آنجا آمدند. حسام مدت ها با مدیر پروژه کار می کرد، اما با یکدیگر دچار مشکل شده بودند و اختلاف داشتند. آن شب حسام همراه برادرانش مقابل پروژه ساختمانی آمد

و سراغ مدیر پروژه را گرفت. او به شدت عصبانی بود و اسلحه داشت. ناگهان شروع به تیراندازی کرد که گلوله ها به من و فردی که در حال گذر از مقابل ساختمان بود، اصابت کرد و مجروح شدیم و آنها فرار کردند.

گزارش مرگ

مرد جوان این اطلاعات را در اختیار پلیس قرار داد و یک روز بعد به دلیل شدت جراحات جانش را از دست داد؛ این در حالی بود که مجروح دیگر که از خطر مرگ گریخته بود، همچنان در بیمارستان بستری بود. با دستور قاضی مصطفی واحدی، کشیک جنایی تهران تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری آغاز شد. یک سسال از این ماجرا گذشته بود تا اینکه چند روز قبل سر نخ به دست آمد که نشان می داد متهم تحت تعقیب در یکی از روستاهای همدان پنهان شده و زندگی مخفیانه ای در پیش گرفته است.

وی در آنجا ازدواج کرده و زندگی تازه ای تشکیل داده بود که با این اطلاعات، مأموران راهی خانه روستایی شدند و در اقدامی غافلگیرانه حسام را بازداشت کردند. وی اما پس از انتقال به شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران، تیراندازی و قتل را انکار کرد. این در

حالی بود که شواهد به دست آمده از سوی پلیس و حتی اظهارات مرادی که از این تیراندازی جان سالم به در برده بود، نشان می داد که عامل تیراندازی کسی جز او نیست. در این شرایط، متهم به قتل با دستور قاضی مصطفی واحدی، بازپرس جنایی تهران بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و جست و جو برای بازداشت برادران وی نیز ادامه دارد.

من قاتل نیستم!

متهم به قتل ۴۲ ساله است و اصرار بر بی گناهی دارد. او مدعی است که بدشناسی باعث شده همه تصور کنند که قاتل است.

گفتی بدشناسی باعث شده که به اتهام قتل دستگیر شوی. چرا بدشناسی؟

چون من درست به طلا که می زنم تبدیل به زغال می شوم. سال هاست که در کار ساخت وساز و خرید و فروش ملک فعال هستم، اما از سال ۹۰ بدشناسی آوردم و ورشکست شدم. در آن زمان در شهرستان کار می کردم و به خاطر ۳ میلیارد تومان بدهی، ۴ سال زندانی شدم. بخشی از بدهی هایم را پرداخت کردم و آزاد شدم، اما همسر اولم با وجود داشتن یک فرزند

از من جدا شد. بعد از آن تصمیم گرفتم گذشته ام را جبران کنم اما مدام بدشناسی می آوردم و حالا به نقطه ای رسیدم که همه مرا قاتل می دانند.

اختلاف با مدیر پروژه ساختمانی بر سر چه بود؟ او شریکم بود. سر مایه ام را در اختیارش قرار داده بودم برای شراکت و سرمایه گذاری در پروژه، اما او سرم کلاه گذاشت و سهمم را نداد. قرار بود آپارتمان به جای طلبش بدهد، اما بدقولی کرد. هر وقت سراغش می رفتم پیدایش نمی کردم و این اواخر اصلا در پروژه آفتابی نمی شد.

به همین دلیل با اسلحه سراغش رفتی؟

من پولم را می خواستم بگیرم نه جان او را. شب حادثه دوستم خیر داد که او سر پروژه حاضر شده است. همراه برادرانم سراغش رفتم تا هر طور شده طلبم را بگیرم. وقتی به آنجا رسیدیم ناگهان صدای تیراندازی آمد و ما از ترسمان فرار کردیم. در آن تاریکی اصلا نفهمیدیم چه شد و چه کسی اقدام به تیراندازی کرد. من بدشناسی آوردم و درست شبی که سراغ مالک پروژه رفتم در همان شب تیراندازی رخ داد و یک نفر کشته شد و یک نفر زخمی.

پس چرا پس از این حادثه فراری شدی؟

«حمید صفت» تسلیم رأی دادگاه شد

قاضی: در اظهارات در دادسرا گفته بودی سه ضربه به مقتول زده بودی. چه دفاعی داری؟

متهم: مادرم میان من و حاج آقا حائل بود. من او را گرفته بودم تا به مادرم ضربه زند. در آن شرایط فقط سه بار دستم به صورتش برخورد کرد. اصطلاح کف گرگی هم در آگاهی به من القا شد. اگر قصد ضربه زدن داشتم مادرم را هل می دادم و او را هم می زدم.

بعد از دستگیری مرا به دادسرا بردند و باز پرس به من گفت بهتر است به قتل اعتراض کنم. آنجا بود که پزشک کشت مقتول بر اثر برخورد جسم سخت به سرش فوت شده است! باور کنید ضربه ای نزد.

قاضی: اعتراف کرده ای گلدان را به سمت دیوار پرتاب کرده ای. پس درگیری شدید بوده است؟

متهم: اگر درگیری شدید بود گلدان را مستقیم به سمت حاج آقا پرتاب می کردم. ولی گلدان را به سمت دیوار پرتاب کردم و به مادرم گفتم لباس هایش را بپوشد تا خانه را ترک کنیم.

آخرین دفاع

متهم در آخرین دفاعش گفت: «شب قبل از محاکمه در زندان خلوت کردم و در دو صفحه دفاعیاتم را نوشتم. در این چند سال نه عصبانی شدم و نه خشم گرفتم. اما آن روز فقط وقتی به حاج آقا اعتراض کردم که چرا مادرم را می زنی او گفت اگر لازم باشد باز هم او را کتک می زند. خب انتظار شنیدن این حرف را نداشتم. همین باعث شد عصبانی شوم.

او در ادامه گفت: «هر حکمی برایم صادر شوم مطیع آن هستم. فقط تقاضا دارم مرا با عدالت باشد. باور کنید قصد قتل نداشتم و هنوز هم از مرگ او ناراحت هستم او جای پدر من بود.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

گروه حوادث – حمید صفت خواننده زیرزمینی که به اتهام قتل پدرخوانده اش در زندان به سر می برد در چهارمین جلسه محاکمه اش اتهام قتل مرگ را انکار کرد و گفت تسلیم رأی دادگاه است.

جلسه رسیدگی به پرونده در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی رحمانی برگزار شد. بعد از اعلام رسمیت جلسه، نماینده دادستان در جایگاه قرار گرفت و در قرائت کیفرخواست گفت: «متهم خواننده زیرزمینی به نام حمیدرضا امیر صفت معروف به حمید صفت است.

او در ۲۴ مرداد سال ۹۶، به اتهام قتل ناپدری ۶۶ ساله اش به نام هوشنگ دستگیر شد. مادر حمید همسر دوم مقتول بود و به خاطر اختلاف با شوهرش قصد جدایی داشت.»

به گزارش رکتا، وی در ادامه گفت: «با اعلام خبر فوت هوشنگ از سوی کادر درمان بیمارستان فیروزگر مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک در محل حاضر شده و در تحقیق از دو دست مقتول که در بیمارستان حاضر بود، دریافتند وی پس از درگیری با حمید، پسر همسرش به بیمارستان منتقل، اما بر اثر خونریزی مغزی فوت می کند. با انتقال جسد به پزشکی قانونی حمید به عنوان مظنون به قتل بازداشت شد.

او در جریان بازجویی هاجر مش را انکار کرد و گفت قتل عمدی نبوده است. او در توضیح گفت: «روز قبل از حادثه برادرم که مقیم امریکا است تماس گرفت و گفت با مادرم تلفنی صحبت کرده ولی حال مادرم خوب نبوده و از شوهرش گلایه داشته است. برادرم بنگران بود به همین خاطر از من خواست تا به خانه آنها بروم. وقتی به خانه مادرم رفتم متوجه شدم هوشنگ بار دیگر مادرم را کتک زده است. او شب قبل نیز مادرم را مقابل چشمان مهمان های آلمانی اش کتک زده بود. همین باعث ناراحتی ما شد و با هوشنگ درگیر شدم. وقتی درگیری بالا گرفت او به آشپزخانه رفت و قصد داشت با چاقو به من حمله کند. برای اینکه او را



تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

مفقودی

کارت تردد فرودگاهی بنام علیرضا
اقتدارنژاد به شماره ۳۱۵۰۵۸۶۷۲۰ مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

اقتصاد کیش
سازمان آگهی ها
۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام

منشی شیفت بعدازظهر جهت کار
در یک شرکت استخدام می شود.
متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی
ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم
واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند.
تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام

کارمند امور اداری خانم
آشنا به امور اداری و کامپیوتر
جهت کار در یک شرکت نیازمندیم.
متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای
مروارید، بلوک b۳، طبقه سوم
واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند.
تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

از کارمند خانم
برخوردار از سابقه کار
در دفتر بیمه

دعوت به همکاری می شود.
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴
تماس: ۸ صبح تا ۳ ظهر

نیروی خدماتی خانم با سواد جهت کار در یک
شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان
فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد
۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما – کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی
جزئی و کلی مجتمع های اداری
مسکونی – خدماتی – تجاری
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

تدریس خصوصی

تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک
و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط
استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس
به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور

شیمی توسط مهندس شیمی
با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی
۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱

رستوران

رستوران سای دا

انواع غذاهای ایرانی و دریایی
با کادری مجرب و با سابقه
آماده عقد قرارداد با شرکت ها و مؤسسات
آدرس: کیش، بلوار خیام،
خیابان باباطاهر TS44

حمل بار

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۳۹۱۰

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی
تجاری، اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد – فوری

ضد عفونی